

## آیه اکمال دین در آینه بلاغت

مهین شهریور<sup>۱</sup>، محمدعلی ربی پور<sup>۲\*</sup>، علیرضا رادین<sup>۳</sup> و صدرا علیپور<sup>۴</sup>

## چکیده

قرآن کریم در ظاهر از کلمات ساده تشکیل یافته، اما در بطن این کلمات، مفاهیم عمیقی وجود دارد. تأثیر علم بلاغت برای بیان مفاهیم مورد نظر قرآن کریم چشم‌گیر است. توجه به تناسب و ارتباط آیه در تفسیر قرآن، فواید سازنده و ارزنده‌ای در بردارد؛ از جمله پی بردن به نکات ظریف و لطیف اعجاز قرآن، برداشت صحیح از ساختار هندسی آیات و... قرآن کریم کلامی متقن و مملوء از محسنات لفظی، معنوی و آرایه‌های ادبی است. که این اسلوب و معیارهای بلاغی با چینش خاص در سور و آیات به کار رفته است؛ و در سه زمینه اعجاز بیانی، اعجاز علمی، و اعجاز تشریحی، فصاحت و بلاغت بی‌همتایی دارد. با توجه به این که صدر و ذیل آیه<sup>۳</sup>، سوره مائده، درباره تحریم مأكولات است، آیا «آیه اکمال دین» که در بین تحریمات جای گرفته، نسبت به صدر و ذیلش، جمله‌ای معترضه است یا دارای ارتباط می‌باشد؟ علمای شیعه، معتقدند: آیه اکمال دین جمله معترضه است و با صدر و ذیلش تناسب ندارد و در مورد ولایت حضرت علی(ع) می‌باشد. علمای اهل سنت معتقدند: محققان شیعه، آیه اکمال دین را بدون توجه به روابط پس و پیش آیه در سیاق، نگرسته‌اند. و مراد از «أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» اکمال دین در زمینه احکام می‌باشد نه چیز دیگری. در این مقاله با بهره‌گیری از علم بلاغت و تسبیغ، بررسی و تحلیل تناسب صدر و ذیل آیه اکمال دین مورد مذاقه علمی قرار گرفته است.

**کلید واژه:** سوره مائده، اکمال دین، بلاغت، تسبیغ (تناسب صدر و ذیل).

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

<sup>۲</sup> - گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

rabbipoor@gmail.com

<sup>۳</sup> - گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (استاد مشاور اول)

<sup>۴</sup> - گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ماکو، دانشگاه آزاد اسلامی، ماکو، ایران (استاد مشاور دوم)

## مقدمه

در شناخت اعجاز قرآن لازم است که به وجوه و ابعاد اعجاز قرآن توجه کنیم که از چه لحاظ معجزه است، یکی از وجوه اعجاز آن از جهت ادبی است که فصاحت و بلاغت آن بی نظیر و در اوج فصاحت است و در زمانی که عالی ترین فصحای عرب می آمدند و بهترین شعرهای خود را ارائه می دادند، خداوند قرآن را در اوج فصاحت نازل کرد و کسی نتوانست مانند آن را بیاورد. آگاهی از فصاحت و بلاغت علاوه بر این که زیبایی های ادبی نهفته این کلام را آشکار می کند باعث تاثیر عمیق آن در مخاطب می شود ...

«بلاغت دارای انواعی است که صنعت بدیع یکی از شاخه های آن به شمار می رود. بدیع خود نیز دارای انواع متعددی است که مهم ترین آن تسبیغ است». (الصغیر، ۱۲: ۱۴۱، ج ۱: ۲۱۷) «اصطلاح تسبیغ با عنوان تناسب صدر و ذیل، مطرح شده است». (محمّدی، ۱۳۹۲: ۲۸۴) «در درّه نجفی، به تشابه الاطراف، تسبیغ نیز گفته است». (نجفقلی میرزا، ۱۳۶۲: ۲۹۷) «تشابه الاطراف اسم صنعتی در بدیع معنوی هم هست». (لاهورتی، ۱۳۰۴: ۱۱۷)

«بدین معنی که در پایان کلام مطلبی بیاورند که با صدور کلام مناسب باشد چه به صورت آشکار و چه به وجه پنهان». (شمیسا، ۱۳۷۰: ۸۳) به عبارت دیگر «کلماتی که در خاتمه آیه می آید شامل محتوای آیه می باشد». (ابن ابی اصبع مصری، ۱۳۶۸: ۱۲۴)

«اقتضای بلاغت براین است که گوینده، سخن خود به نحوی با ظرافت خاص شروع کند که علاوه بر ایجاد آمادگی در مخاطب، به مقصود اصلی کلام نیز اشاره ای داشته باشد». (آهنی، ۱۳۹۳: ۱۹۶)

«علمای بلاغت «حسن مطلع» و «حسن ختام» در هر آیه را، از جمله محسنات بدیعی قرآن دانسته اند، (جرجانی، ۱۴۰۷: ۱، ج ۱: ۴۸) بدین ترتیب که هر آیه با مقدمه ای ظریف آغاز می شود و با خاتمه ای لطیف پایان می یابد». (خطیب قزوینی، بی تا: ۱۱۵)

در این تحقیق با بهره‌گیری از علم بلاغت و تسیبغ و نیز نظر علما برجسته، به بررسی و تحلیل تسیبغ (تناسب صدر و ذیل) آیه اکمال دین می‌پردازیم.

### بیان مسأله و سوالات تحقیق

از جمله دغدغه‌های حوزه ادبیات قرآن، نگرش بلاغی به موضوع آیه اکمال دین است. با توجه به این «آیه اکمال دین» در بین تحریمات جای گرفته نسبت به صدر و ذیلش، جمله‌ای معترضه است یا دارای ارتباط می‌باشد، و چرا این موضوع به عنوان آیه مستقل بیان نشده است؟ بعضی از مفسران بدون توجه به شأن نزول، سیاق و لحن آیه و همچنین آرایه‌های ادبی در تفسیر دچار اشتباه شده‌اند. هدف از این پژوهش برطرف کردن شبهات موجود در بررسی تناسب صدر و ذیل این آیه و پاسخ به این سوالات است.

- در صورت معترضه بودن آیه مورد بحث، آیا آیه معترضه هنگام نزول، در وسط دو آیه جای گرفته بود؟

یا اینکه پیامبر گرامی اسلام (ص) به نویسندگان وحی دستور فرموده که در آنجا قید کنند؟  
- نزول سه بخش آیه، هم زمان نبوده و رسول خدا (ص) هم دستور نداده که در آنجا قرار دهند و نویسندگان وحی در آنجا قید کرده‌اند؟

### روش تحقیق

این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای، و به روش توصیفی \_ تحلیلی تدوین شده است.

### پیشینه تحقیق

نقش علمای لغت، نحویان از جمله، خلیل بن احمد فراهیدی بصری (متوفی ۱۷۰ق)، سیبویه (متوفی ۱۸۰ق)، فرّاء (متوفی ۲۰۷ق)، ابو عبیده (متوفی ۲۱۰ق) و اصمعی (متوفی ۲۱۱ق) را در تکامل و شکل‌گیری این بحث نباید از نظر دور داشت. از آثار امروزی نیز، در تألیفات ارزشمندی همچون

«تفسیر المیزان» و «تفسیر نمونه» در باره اشتمال آیه «اکمال دین» به صنایع بلاغی بدیعی سخن رفته است. مقاله‌ای که صراحتاً به این موضوع پردازد تدوین نشده بود.

#### ۱. بحث و بررسی

برای تحلیل تناسب آیه اکمال دین با صدر و ذیلش لازم است آیه را با ترجمه آن در سه بخش بیاوریم تا دلایل علمای بلاغت و مفسران را بررسی کنیم.

۱-۱. «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ» (مائده: ۳)

حرام شد بر شما، مردار، خون، گوشت خوک و آنچه موقع سر بریدن، نام غیر خدا بر آن برده شده است؛ حیوان خفه شده و حیوان زجرکش و از بلندی افتاده و به ضرب شاخ مرده و آنچه را درندگان پاره کرده‌اند مگر آنچه (با شرایط صحیح) ذبح شده است و (نیز) آنچه به نام بت کشته شود (تمام) این‌ها عمل خلاف است.

۲-۱. «الْيَوْمَ يَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳)

امروز کافران از (طمع در) دین شما نومید شدند. از آنان نترسید. امروز دین شما را تکمیل کردم و نعمت خود را درباره شما به پایان رساندم و اسلام را به عنوان دین، برای شما انتخاب نمودم.

۳-۱. «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۳)

اگر کسی در موقع گرسنگی بدون این که میل به گناه داشته باشد (به خوردن یکی از ممنوعات مزبور) ناچار شود، خداوند آمرزنده و بخشاینده است.

۲. قرائنی بر استقلال بخش دوم آیه ۳ سوره مائده

۱-۲. گواه اول:

آشکارترین دلیل استقلال این بخش از آیه، این است که اگر قسمت دوم را از این سه قسمت جدا نماییم، کوچک‌ترین آسیبی به ارتباط قسمت اول با قسمت سوم وارد نمی‌شود و می‌توان دو قسمت اول و سوم را با هم ترکیب کرد و مضمون آیه بی‌هیچ کم و کاستی، از لحاظ معنا و مفهوم کامل و بی‌نقص خواهد بود؛ به عبارتی دیگر با الصاق و افزودن ذیل آیه به صدر آن، یک آیه کامل به وجود می‌آید و با حذف قسمت دوم، هیچ آسیبی به آیه وارد نمی‌شود و این خود گواه آن است که بخش میانی آیه، کلام مستقل و جداگانه‌ای است و صرف‌نظر از شأن نزول و موضوعش، در وسط آیه‌ای واقع شده است. (ر.ک. رجایی، ۱۳۵۳: ۲۵۶)

۲-۲. گواه دوم:

مضمون این آیه در سوره‌های «بقره»، «انعام» و «نحل» نیز آمده است، در حالی که قسمت دوم، در سوره‌های یادشده وجود ندارد.

در اینجا آیاتی را که مضمون آیه ۳ سوره مائده در آن‌ها نیز ذکر شده است، بیان می‌شود:

- «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۱۷۳)

- «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (انعام: ۱۴۵)

- «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل: ۱۱۵)

«این آیات بخش مهم آنچه را که در بخش‌های اول و سوم آیه مورد بحث آمده است، شامل است اما هیچ نشان و اشاره‌ای به بخش دوم آیه وجود ندارد و این خود گواه بر این است که قسمت دوم که در آیه مورد بحث دیده می‌شود، کلامی مستقل است که از هیچ نظر به قبل و بعد خود ارتباط ندارد.» (شبر، ۱۴۰۷ ق: ۱۴۲)

### ۲-۳. گواه سوم:

روایاتی که بیانگر شأن نزول آیات می‌باشند، همگی قسمت دوم را جداگانه بدون این که در باره ذیل آن سخن بگویند، مورد بحث قرار داده‌اند. در تفسیر علامه طباطبایی می‌خوانیم: «آیه «الیوم یئس» یا آیه «الیوم اکملت» تا آخر در روز غدیر یا عرفه نازل شده است و این خود دلیل بر استقلال این قسمت است که به عللی در وسط آیه آمده است.» (علم‌الهدی، ۱۴۳۱ق، ج ۲: ۸۵) روی این حساب وقتی روایات صحیحی از طرف شیعه و سنی بگوید که این قسمت در روز «غدیر» در باره ولایت علی (ع) نازل شده است، صدر و ذیل آیه نمی‌تواند ما را از اعتقاد به مضمون احادیث باز دارد؛ زیرا این قسمت برای خود کلامی است مستقل که درباره هر موضوعی وارد شده باشد، با قبل و بعد خود ارتباط ندارد.

ابوجعفر محمد پسر جریر طبری (م ۳۱۰ هـ) در کتاب الولایه، به سندش از زید، پسر ارقم که گفت: «آیه اکمال دین در روز غدیر خم در باره امیر مؤمنان (ع) نازل شد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۶۶۱)

سیوطی در الدر المنثور، از طریق ابن مردویه و خطیب بغدادی و ابن عساکر، همین حدیث را با الفاظی آورده که در روایت ابن مردویه آمده است. (ر.ک. سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۲۵۹)

در الاتقان آمده: بنا به سند ابن مردویه «آیه اکمال، در روز غدیر خم نازل شد» و بنا به حدیث ابوهریره: «آیه اکمال در روز غدیر خم نازل شد و آن، روز هجده ذی حجه بود که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از حجه‌الوداع باز می‌گشت.» (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۵۳)

۲-۴. گواه چهارم:

«دقت در مضمون آیه نه تنها ما را به استقلال آیه هدایت می‌کند، بلکه می‌رساند که آیه فقط می‌تواند در مسأله‌ای مثل نصب وصی و تعیین جانشین صادق باشد. زیرا باید دید در چه روزی، کافران از پیروزی اسلام مأیوس گردیدند و در چه روزی دین خدا تکمیل گردید.» (امینی، ۱۳۶۸: ۱۱۲)

طبق چهار گواهی که بازگو شد، نتیجه می‌گیریم آیه: «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»، کلامی است معترضه که در وسط این آیه قرار گرفته است و لفظ آیه در انتقال معنایش، به هیچ عنوان نیازمند این جمله نیست و این جمله هیچ ارتباطی با صدر و ذیل خود ندارد. (ر.ک. کاشفی، ۱۳۸۱: ۲۲)

«در مورد جمله معترضه آیه مورد بحث، ممکن است چند سؤال به ذهن متبادر شود؛ آیا آیه معترضه هنگام نزول، در وسط دو آیه جای گرفته بود؟ رسول اکرم (ص) به نویسندگان وحی دستور فرموده که در آنجا قید کنند؟ نزول سه بخش آیه، پشت سر هم نبوده است؟ نزول، هم زمان نبوده و رسول خدا (ص) هم دستور نداده که در آنجا قرار دهند و نویسندگان وحی در آنجا قید کرده‌اند؟» (قویم، ۱۳۶۱: ۳۰۱)

پاسخ سؤال‌های یاد شده، هرچه که باشد، تأثیری در اثبات عدم ارتباط بخش دوم آیه با صدر و ذیلش ندارد. در تأیید این گفتار، در روایاتی است که در مورد شأن نزول جمله معترضه بی آن که به پیش و پس آن اشاره شود، سخن رفته است.

سیوطی، در المنتور، از عبد بن حمید، به نقل از شعبی نوشته است: آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...»، وقتی بر رسول خدا (ص) نازل شد که آن جناب در عرفه بود و چون آن حضرت از هر آیه‌ای که خوشش می‌آمد، دستور می‌داد در آغاز سوره‌اش جای دهند، این آیه را در اول سوره قرار

دادند.» آن گاه شعبی اضافه کرده است که «جبرئیل به آن جناب تعلیم می‌داد که هر آیه را در کجا جای دهد.» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۵۸)

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت صدر آیه مورد بحث، کلامی تامّ و کامل است و در افاده معنا هیچ حاجتی و توفقی بر آیه: «الْيَوْمَ يَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ...» ندارد. و در بیان شأن نزول، جمله: «الْيَوْمَ يَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» را متعرض شده و نامی از آیه: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمُؤْتَبَةُ...»، به میان نیاورده و این خود مؤید آن است که جمله: «الْيَوْمَ يَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا...» مستقل و جدای از صدر و ذیل آیه، نازل شده است. (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۷۳)

### ۳. دیدگاه بلاغی اهل تسنن در مورد ارتباط صدر و ذیل آیه اکمال دین

اغلب علماء اهل تسنن نظیر ابونعیم اصفهانی، ابوسعید سجستانی، ابن عساکر دمشقی، خطیب بغدادی، ابوالحسن المغازلی، ابوالقاسم الحاکم الحسکانی، خطیب خوارزمی، ابن جوزی، شیخ الاسلام حموینی، ابن کثیر شامی و ... نزول آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» را در روز غدیر تصدیق کرده‌اند؛ هرچند آغاز و پایان آیه مربوط به بیان احکام گوشت‌های حلال و حرام است. (ر.ک. مطلوب، ۱۳۹۳ ق: ۲۳۷)

آبادی قرائی در پاسخ به این سؤال که چگونه ممکن است در میان و خلال یک آیه، مطلبی ذکر شود که هیچ ارتباطی با قبل و بعدش نداشته باشد؟ می‌گویند: «مسأله ترتیب و نظم آیات که مشکلی در بسیاری از مباحث برای مفسران ایجاد کرده است، چندان پیچیده نیست؛ زیرا ترتیب نزول سوره‌ها و آیات قرآن با ترتیب فعلی آن به طور کامل مغایرت دارد.» (آبادی قرائی سلطان،



«یوم» بنا بر قواعد زبان شناختی عربی، مادام که با حرف تعریف «ال» بیاید، بر روز یا روزگار معینی دلالت دارد و زمخشری نیز «الیوم» در آیه اکمال دین را بر روز معینی حمل کرده و نوشته است: «در این روز همه آنچه را در انجام تکالیف‌تان اعم از یادگیری حلال و حرام و آگاهی از شرایع و قوانین قیاس و مبانی اجتهاد نیاز دارید، برای شما کامل کردم.» (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۶۰۵) آلوسی به نقل از ابن عباس و سدی آورده: «خداوند در این روز حدود و واجبات الهی و حلال و حرامش را با نزول آیاتش تکمیل کرد، به نحوی که چیزی بر آن اضافه نشد یا چیزی از آن به طریق نسخ برداشته نشده است.» (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۳۳)

فخر رازی در اثر گرانبهای مفاتیح‌الغیب می‌نویسد: «این دین در اوایل بعثت متناسب با همان دوره کامل بوده اما در مقایسه با دوره‌های بعد ناقص بوده؛ سپس در آخر بعثت این شریعت کامل شده است الی‌یوم القیامه ...» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۸۷)

علمای اهل تسنن معتقدند: «علت این که علمای شیعه این فراز آیه را با قبل و بعدش بی‌ارتباط دانسته‌اند، بیشتر ناشی از نوع نگرش به متن قرآنی است که متن را بدون توجه به روابط پسین و پیشین آیه در سیاق در نظر می‌گرفتند، اما با تغییر آن نگرش و گذر از نظم خطی، به ارتباط آیه با دیگر آیات همخوان و هم‌معنای خود و اموری چون فضای نزول سوره مائده و ارتباط با سوره‌های پیش از آن و از سوی دیگر، به نشانه‌هایی چون ساختارهای متوازن، واژگان متقارب و الگوهای تکرار در آیات متعدّد به خصوص آیات دیگر سوره مائده توجه شود. می‌توان فهمید: «الْيَوْمَ بَيَّنَّا لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»، با صدر و ذیلش ارتباط دارد.» (واعظی، ۱۳۸۳: ۳۲)

#### ۴. دیدگاه بلاغی اهل تشیع در مورد ارتباط صدر و ذیل آیه اکمال دین

علمای شیعه معتقدند: «قرآن کریم نظم تألیف‌های بشری را ندارد و این گونه نیست که در مورد یک موضوع واحد تا آخر سوره سخن رود بلکه قرآن کریم، مجموعه آیاتی است که بر

اساس حوادث و پیشامدهای گوناگون و نیز اهداف مختلف، به تدریج نازل شده است. در بسیاری از سوره‌ها، موضوع‌های گوناگون مورد بحث واقع شده است؛ از این روی نمی‌توان قبل و بعد آیه‌ای را گواهی محکم، بر اثبات و ردّ چیزی گرفت و یا روابط آن‌ها را به طور مطلق و در همه موارد نادیده انگاشت. گاهی مضامین آیات یک سوره، حلقه‌وار به هم پیوسته‌اند و گاهی نیز هیچ ارتباطی با هم ندارند.» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۵۸۹)

با توجه به آنچه بیان شد، «سؤال و ابهامی که در مورد عدم تناسب و ارتباط برخی آیات سوره‌ای با دیگر آیات و یا بخش‌هایی از یک آیه با سایر بخش‌هایش وجود دارد، رفع می‌شود؛ به عنوان نمونه، آیه‌های ۲۳۸ و ۲۳۹ سوره بقره، در مورد نماز گفتگو می‌کند؛ در صورتی که آیات قبل و بعد آن، مربوط به وظایف و احکام زن است.» (عبدالعظیم، ۱۳۰۸: ۸۴)

«قرار گرفتن «الْيَوْمَ يَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ»، در این جای خاص و سپس دلالتش بر معنا، جای تأمل دارد؛ چراکه اگر در صدر آیه یعنی جمله: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ... ذَلِكَمْ فِسْقٌ» دقت کنیم و سپس ذیل آن، یعنی «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» را بر آن بیفزاییم، مشخص می‌شود که صدر آیه برای خود کلامی تامّ و کامل است و در بیان معنی هیچ حاجتی و توفقی بر آیه: «الْيَوْمَ يَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ...» ندارد. خلاصه کلام این که آیه شریفه، آیه‌ای است کامل، همانطور که آیات سوره‌های انعام و نحل و بقره که بیانگر محرّمات خوردنی‌ها هستند، از قبل نازل شده بودند، در افاده معنا مستقل و کامل بودند و آیه: «الْيَوْمَ يَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا...»، کلامی معترضه است که در وسط این آیه قرار گرفته و لفظ آیه در فهماندن معنایش هیچ حاجتی به این جمله ندارد و نیز با صدر و ذیلش بی‌ارتباط است.» (حمّدی، ۱۴۰۴ق: ۳۰۱)

«از آنجایی که دو آیه «الْيَوْمَ يَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا...» و «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»، از نظر معنا نزدیک هستند و مفهوم‌شان به یکدیگر مرتبط است و بین نوید شدن از نابودی دین اسلام و

اکمال دین، ارتباط نزدیک و مستقیمی وجود دارد و مضمون هر دو آیه این معنا را می‌رساند که با هم ترکیب شده، یک آیه را تشکیل داده‌اند؛ علاوه بر این هر دو جمله، سیاقی واحد دارند و از این روی است که رسول اکرم (ص) این دو جمله را در اوّل سوره مائده قرار داده‌اند. (طوسی، بی تا، ج ۳: ۴۲۸)

علما و مفسران قدیم و جدید، یعنی صحابه و تابعین و متأخرین تا عصر کنونی، دو جمله را متصل دانسته‌اند و هر یک را متمم و مفسر دیگری گرفته‌اند و این امر بر این که آنان نیز همین معنا را از این دو جمله دریافت کرده‌اند، صحّه می‌گذارد.

نتیجه این نظریه چنین می‌شود که جمله‌های «الْيَوْمَ يَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ...» و «ضَيِّتُمْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»، در مجموع جمله‌های معترضه‌ای هستند که با یکدیگر کمال اتصال را دارند و غرض واحدی را بیان می‌دارند؛ غرضی که قائم به هر دو جمله است، بدون این که در افاده آن با هم اختلافی داشته باشند. حال چه بگوییم؟ «آیه اکمال دین، با جملات صدر و ذیل ارتباط دارد و یا این نظریه را رد کنیم، تردیدی وجود ندارد که این دو جمله، کلامی واحد و معترضه هستند و یک غرض را افاده می‌کنند.» (طبرسی، ۱۳۷۵: ۳۳)

کلمه «یوم» که یک بار در جمله «الْيَوْمَ يَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا...» و یک بار دیگر در جمله «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...»، آمده است، روز واحدی را در نظر دارد؛ روزی که کفار از دین مسلمانان مأیوس شدند و دین خدا به کمال خود رسید.

مراد از کلمه «یوم»، روز عرفه از سال حجه الوداع است که بسیاری از مفسران در این باره هم‌رأی هستند و روایات متعددی نیز در تأیید آن وجود دارد. در پاسخ این سؤال که «معنای مأیوس شدن کفار از دین مسلمانان در آن روز معین چیست؟»، باید گفت: «در مورد ارتباط معنوی دو جمله مورد بحث، یعنی «الْيَوْمَ يَأْسَ...» و جمله «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...» شک و اشکالی وجود ندارد و آشکار است که هر دو برای افاده یک غرض آمده‌اند؛ یعنی «دینی که

خدای تعالی امروز تکمیلش کرد» و «نعمتی که تمامش فرمود»، به حسب حقیقت یک چیز هستند؛ همان چیزی که کافران تا آن روز امیدوار بودند؛ امیدوار به این که رسول خدا(ص) از دنیا می‌رود و چون فرزند ذکوری ندارد که اهدافش را تعقیب کند، اثرش منقطع و یاد و نامش از دل‌ها خواهد رفت.» (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۳: ۱۰)

جمله: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...»، ناظر است بر کمال یافتن دین خدا در تشریح و تمامیت یافتن نعمت الهی، با انتخاب و انتصاب «اولی الامر» و جانشین رسول اکرم (ص).

#### ۵. علت اختفاء آیة اکمال دین بر معیارهای فصاحت و بلاغت چیست؟

«استقلال معنایی آیة اکمال دین به تفصیل بیان شد ولی در مورد علت پنهان ماندن آیة یادشده در لابه‌لای احکام مربوط به گوشت‌های حلال و حرام، باید گفت، تاریخ و حدیث صحیح، گواهی می‌دهند که پیامبر(ص) قصد داشتند وصیت‌نامه‌ای برای امت خود بنویسند تا امت پس از ایشان گمراه نشود، اما هنگامی که شخصیت‌های صاحب نفوذ پی بردند که پیامبر اکرم(ص) چنین قصدی دارند و می‌خواهد درباره امر مهم خلافت مطلبی بنویسند، ایشان را به بیماری - العیاذ بالله - هذیان‌گویی متهم کردند. این امر حاکی از آن است که در صدر اسلام، بر روی مسأله خلافت و جانشینی رسول اکرم(ص) حساسیت خاصی وجود داشت و برای جلوگیری از تعیین خلیفه توسط ایشان، به هر راه و ترفندی متوسل می‌شدند.» (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۲۲۴)

با در نظر گرفتن شرایط موجود مذکور، برای محافظت آیة از هر نوع تحریف و تغییر، از یک اصل عقلانی پیروی شده است و آن، پوشاندن شیء نفیس با یک رشته امور ساده که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در مورد علت اختفای این می‌توان گفت، رسول گرامی (ص) به فرمان خداوند متعال مأمور است آیة مربوط به جانشینی را در میان مطالب ساده قرار دهد تا کمتر مورد توجه مخالفان سرسخت قرار گیرد و از این طریق این سند الهی به دست آیندگان برسد. در تأیید

این نظریه مهم، همین بس که آیه‌ای که نام امیرالمؤمنین (ع) به صراحت در آن آمده باشد، وجود ندارد. ناگفته نماند که علما و مفسران معتقدند قرارگیری آیات قرآن کریم، بنا بر دستور رسول اکرم (ص) صورت گرفته است. (نقل به تلخیص از: سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۳۰)

نظر دیگر علمای بلاغت در مورد علت قرار گرفتن این جملات در بین بخش‌هایی از آیه که ارتباط معنایی با هم ندارند، چنین است: «هدف برجسته ساختن و جلب توجه کردن است؛ چنان که در گذشته کلمه «وَلِيَتَلَطَّفْ» را که وسط قرآن کریم است، بزرگ‌تر می‌نوشتند یا جمله «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» به صورت نصبی یا جرّی آمده است - درحالی‌که طبق قواعد ادبی می‌باید به شکل رفعی «وَالْمُقِيمُونَ» می‌آمد - که به نظر می‌رسد جز برجسته کردن وصف «اقامه صلاه» در بین سایر اوصاف، مقصود دیگری نباشد. در آیه بحث‌شده نیز دو جمله معترضه در وسط آیه‌ای که هیچ ارتباطی با مضمون آن ندارد، نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند؛ به‌ویژه آن که مضمون صدر و ذیل این آیه، نزدیک با همین الفاظ و کلمات، سه بار قبل از آن نیز نازل شده بود.» (ملکی، ۱۳۸۹: ۶۰۸)

با توجه به مطالبی که در مورد آیه تبلیغ و آیه اکمال دین مطرح شد، معلوم می‌شود که هر دو مربوط به جریان غدیر خم است و آیه اکمال دین بعد از آیه تبلیغ نازل شده است. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که «چرا در قرآن کریم میان این دو جمله فاصله افتاده و جمله مربوط به اکمال دین در آیه ۳ و جمله مربوط به تبلیغ در آیه ۶۷ سوره مائده آمده است؟

در آیه ۶۷ سوره مائده آمده است: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ معنی: ای پیامبر، آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است [درباره نصب علی (ع)] به امامت و خلافت و ولی امر مسلمین و جانشین تو کاملاً [به مردم] برسان و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم نگاه می‌دارد و خداوند گروه کافران [لجوج] را هدایت نمی‌کند.

در پاسخ باید بگوییم، «آیه ۳ و آیه ۶۷ سوره مائده، ارتباط ویژه‌ای با یکدیگر دارند و قرابت مضمون، جریان تاریخی حادثه غدیر خم، شأن نزول آیات و حساس بودن ابلاغ این پیام

مهم به مسلمانان، مؤید این ارتباط است، اما در مورد این که چرا این دو آیه مربوط به یکدیگر، با فاصله در قرآن کریم آمده‌اند، نکاتی قابل ذکر است؛ اول این که ترتیب آیات و سوره‌ها نه براساس تاریخ نزول که به صلاحدید و دستور پیامبر(ص) بوده است؛ دیگر این که ممکن است برای جلوگیری از تحریف قرآن و حذف این آیات، آن‌ها را در لابه‌لای آیات دیگر آورده‌اند تا موضوع مهم ولایت و امامت حضرت علی (ع)، جلب توجه نکند؛ همان گونه که شیء باارزش را برای محفوظ نگه داشتن در کنار اشیای کم‌بها تر می‌گذارند تا جلب توجه ننموده، از گزند سرقت در امان بماند.» (ابن انباری، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۸۴)

«خودآیه تبلیغ هم بنا بر ظاهر سیاق، با قبل و بعدش ارتباط ندارد؛ چون قبل و بعد این آیه به صراحت از اهل کتاب و مسئولیت آنان در برابر دعوت الهی خبر می‌دهد. این ارتباط نداشتن می‌تواند ناشی از این باشد که اوضاع و احوال کفار در آن روزی که پیامبر(ص) مأمور ابلاغ این دستور بود؛ یعنی در حجه‌الوداع و آخرین روزهای عمرشان، طوری بود که از ناحیه آنان خطری متوجه رسول خدا و مسأله امامت می‌شد تا در نهایت خداوند هم بر اساس آن ضمانت بر حفظ و حراست پیامبرش از خطر دشمن را در قالب عبارت «والله یعصمک من الناس» بیان می‌کند» (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۹۷)

## نتیجه گیری

از نظر بلاغت آیه اکمال که در میانه آیه سوم سوره مائده قرار گرفته است، با صدر و ذیل آیه هیچ ارتباطی ندارد. قرار گرفتن این آیه در وسط آیه مربوط به گوشت های حلال و حرام، عجیب است، زیرا؛ اگر در صدر آیه «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ ذَلِكُمْ فَسُقُ» تأمل کنی و ذیل آیه «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» را نیز به آن ضمیمه کنی، خواهی دید که کلام تام است و در افاده معنی خود نیازی به جمله های «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا...» ندارد و این بخش از آیه «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ يَا جَمَلَةٌ» «رَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»، جمله معترضه است که در وسط آن آیه قرار گرفته و از نظر دلالت هیچ ارتباطی به همدیگر ندارند - اعم از این که بگوییم: از طرف خدا این گونه نازل شده یا به دستور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) این گونه تنظیم شده است - در هر صورت این بخش آیه «الْيَوْمَ يَأْسُ... الْإِسْلَامَ دِينًا»، مستقل است و ارتباطی به صدر و ذیل آیه ندارد و قرار گرفتن آیه مربوط به غدیر، در لابه لای احکام مربوط به غذاهای حلال و حرام، به منظور محافظت از تحریف و حذف نشدن آن از طرف دشمنان دین بوده است، زیرا؛ بسیار می شود که برای محفوظ ماندن یک شیء نفیس آن را در بین چیزهای که بدان پایه از ارزش نیستند، می گذارند تا کمتر جلب توجه کند و علت همه این کارها، مخفی ماندن آیه اکمال دین از تحریف و یا حذف شدن آن توسط دشمنان بوده است؛ علاوه بر این با دقت در آیات مبارکه قرآن کریم، کاملاً مشخص می شود که در هیچ سوره و آیه ای نام مبارک حضرت علی (علیه السلام) به صراحت بیان نشده است که این نیز خود دلیلی دیگر بر اختفای آیه اکمال دین و امر مهم ولایت برای جلوگیری از حساسیت مشرکان می باشد.

## فهرست منابع و مآخذ

## الف: کتابنامه

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - ابن ابی الاصبغ مصری، عبدالعظیم، (۱۳۶۸)، *بدیع القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۳ - ابن انباری، عبدالرحمن، (۱۳۶۲)، *البيان فی غریب اعراب القرآن*، جلد ۱، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- ۴ - المصغیر، محمدحسین، (۱۴۱۲ق)، *اصول البیان فی ضوء القرآن*، جلد ۱، بیروت: دارالمورخ العربی.
- ۵ - امینی، عبدالحسین، (۱۳۶۸)، *الغدیر*، جلد ۱، تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی.
- ۶ - آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتاب العلمیه.
- ۷ - آهنی، غلامحسین، (۱۳۹۳)، *نقد معانی در صنعت نظم و نثر فارسی*، اصفهان: تایید.
- ۸ - بحرانی، هاشم، (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، جلد ۲، تهران: بنیاد بعثت، چاپ ۲.
- ۹ - جرجانی، عبد القادر، (۱۴۰۷ق)، *اسرار البلاغت فی علم البیان*، جلد ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ ۳.
- ۱۰ - حمدی، محمد، (۱۴۰۴ق)، *البلاغه العربیة فی ضوء الاسلوبیة و نظریة السیاق*، رباط: دار الوائل.
- ۱۱ - حویزی، عبدعلی، (۱۴۱۵ق)، *نور الثقلین*، جلد ۱، قم: اسماعیلیان، چاپ ۴.
- ۱۲ - خطیب قزوینی، محمد، (بی تا)، *اليضاح فی علوم البلاغة علم معانی و البیان و البدیع*، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ ۲.
- ۱۳ - رجایی، محمد، (۱۳۵۳)، *معالم البلاغة در علم معانی و بدیع*، شیراز: دانشگاه شیراز، چاپ ۲.
- ۱۴ - زمخشری، جارالله، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، جلد ۲، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ ۳.
- ۱۵ - سبحانی، جعفر، (۱۳۸۷)، *تفسیر صحیح آیات مشکلة قرآن*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ ۴.



- ۱۶ سیوطی، عبدالرحمن، (۱۴۰۴ق.)، *در المثنوی فی تفسیر المأثور*، جلد ۲، قم: کتابخانه آیه الله المرعشی النجفی.
- ۱۷ سیوطی، عبدالرحمن، (۱۴۲۱ق.)، *اللاتقان فی علوم القرآن*، جلد ۱، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ ۲.
- ۱۸ شبیر، عبدالله، (۱۴۰۷ق.)، *الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین*، کویت: شرکت مکتبه الالفین، جلد ۲.
- ۱۹ شمیسا، سیروس، (۱۳۷۰)، *بیان*، تهران: فردوس.
- ۲۰ طباطبایی، عبدالعزیز، (۱۴۱۷ق.)، *أهل البيت (ع) فی المکتبه العربیة*، جلد ۵، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- ۲۱ طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد ۵، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ ۲.
- ۲۲ طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۵)، *ترجمه تفسیر جوامع الجامع*، جلد ۲، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- ۲۳ طوسی، محمد، (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، جلد ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۲۴ علم الهدی، علی، (۱۴۳۱ق.)، *تفسیر الشریف المرتضی المسمی*، جلد ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۲۵ فخر رازی، محمد، (۱۴۲۰ق.)، *مفاتیح الغیب*، جلد ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ ۳.
- ۲۶ فولادوند، محمد مهدی، (۱۴۱۸ق.)، *ترجمه قرآن*، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ ۳.
- ۲۷ قریب، عبدالعظیم، (۱۳۰۸)، *کتاب البدیع*، تهران: فردوسی، چاپ ۲.
- ۲۸ قویم، عبدالقویم، (۱۳۶۱)، *فنون ادبی بیان*، افغانستان: پوهنتون.
- ۲۹ لاهوتی، میرزا مهدی خان، (۱۳۰۴)، *بدایع عروض در علم شعر فارسی*، تهران: مطبعة مجلس.
- ۳۰ مطلوب، احمد، (۱۳۹۳ق.)، *عبدالقاهر الجرجانی و بلاغته و نقده*، کویت: وكالة مطبوعات.
- ۳۱ ملکی، محمدباقر، (۱۳۸۹)، *مناهج البیان*، قم: اسراء، چاپ ۲.

- ۳۲ مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ ق)، *التفسیر الکاشف*، قم: دار الکتب الإسلامی، جلد ۳.
- ۳۳ نجفقلی، حسام الدوله، (۱۳۶۲)، *دره نجفی در علوم عروض بدیع قافیہ*، تهران: کتابفروشی فروغی.

#### ب - مقالات

- ۳۴ آبادی قرائی سلطان، احمد (۱۳۹۶)، *تبیین فهم آیة اکمال دین بر اساس نظم فراخطی قرآن*، *مجله پژوهش‌های زبانشناختی قرآن*، دوره ۶، ش ۱۰، ص: ۱۶.
- ۳۵ کاشفی، امیر محمود، (۱۳۸۱)، *قول و احسن آن در قرآن کریم*، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران: دوره ۵۳، شماره ۱۶۳ و ۱۶۴، ص: ۲۲.
- ۳۶ واعظی، احمد، (۱۳۸۳)، *ساحت‌های معناپژوهی*، *مجله حوزه و دانشگاه*، ش ۳۹، ص: ۱۱.